

سوالات چهار گزینه‌ای (کارشناسی ارشد سراسری ۹۱)

- ۱- کدام نوع تفکر زمینه‌ساز خلاقیت در افراد است؟
 (۱) همگرا (۲) واگرا (۳) شهودی (۴) انتقادی
- ۲- کار هدایت ادراک، اتخاذ تصمیمات، حل مساله و خلق دانش جدید توسط کدام عامل صورت می‌پذیرد؟
 (۱) حافظه کاری (۲) ثبت‌کننده‌های حسی (۳) حافظه دراز مدت (۴) حافظه کوتاه مدت
- ۳- یادگیری معنی‌دار وقتی رخ می‌دهد که دانش آموز
 (۱) اطلاع کافی از رشد شناختی داشته باشد. (۲) دارای ادراک و توجه در حد طبیعی باشد.
 (۳) دارای توانایی‌های زبانی در سطح قابل قبولی باشد. (۴) اطلاعات جدید را با دانش قبلی خود مرتبط سازد.
- ۴- اگر بخواهیم «خواندن» را تعریف کنیم، بهترین تعریف آن است که بگوییم خواندن عبارت است از:
 (۱) یک فرآیند شناختی که مکمل نوشتن است. (۲) فرآیندی که دارای طرح معین است.
 (۳) تفسیر معنادار نمادهای کلامی نوشته شده (۴) تفسیری و هر هجای تلفظ شده در یک نماد مکتوب
- ۵- اصلی‌ترین تفاوت محرک تمیزی در شرطی شدن کنشگر با محرک فراخوان در شرطی شدن پاسخ‌گر چیست؟
 (۱) نوع و جنس این دو محرک (۲) میزان تقویت‌کنندگی آن‌ها
 (۳) میزان ارادی بودن پاسخ به این دو محرک (۴) زمان ظهور این محرک نسبت به پاسخ
- ۶- دلیل اصلی فراموشی در حافظه حسی، کوتاه‌مدت و درازمدت به ترتیب کدامند؟
 (۱) عدم تکرار، بی‌توجهی و گذشت زمان (۲) جانشینی مطالب، محو اثر و پیری
 (۳) فقدان توجه، جانشینی مطالب و مشکل بازیابی (۴) گنجایش محدود، تداخل و مشکل توجه
- ۷- استناد شکست نسبت به کدام‌یک از منابع به درماندگی آموخته شده منجر می‌شود؟
 (۱) تلاش (۲) توانایی (۳) دشواری مساله (۴) کم‌شانسی
- ۸- معلم به شاگرد کمک می‌کند که مفاهیم را بهتر یاد بگیرد، آن‌ها را بسط دهد و در متن به کار گیرد. در حالی که به تنهایی نمی‌توانست این کارها را انجام دهد. گفته می‌شود که معلم برای وی چه عملی را انجام داده است؟
 (۱) جهت‌دهی (۲) راهنمایی (۳) ساده‌سازی (۴) سکوسازی
- ۹- یکی از منابع خودکار آمدمی (self-efficacy) از نظر بندورا، کدام است؟
 (۱) دستاوردهای فردی (۲) معنا بخشی به خود پنداره (۳) نگرش فرد به خود (۴) هنجارهای گروه همسالان
- ۱۰- در کدام رویکرد، «زبان» نیز مانند رفتارهای دیگر یاد گرفته می‌شود؟
 (۱) شناختی (۲) رفتارگرایی (۳) پردازش اطلاعات (۴) زیست‌شناختی
- ۱۱- الگوی «حافظه چند مخزنی» به وسیله کدام نظریه پرداز مطرح شده است؟
 (۱) شیففرین (۲) کریک (۳) لاکهارت (۴) ابینگه‌هاوس
- ۱۲- کدام‌یک از عوامل، برای اسکینر، بیش از بقیه در شرطی شدن عامل اهمیت دارد؟
 (۱) تعمیم محرک (۲) آمادگی (۳) پاسخ‌های ارادی (۴) پیامدهای رفتار
- ۱۳- از نظر «آزوبل» کدام عامل، بیش از سایر عوامل، در یادگیری موثر است؟
 (۱) بینش و توجه (۲) مرور و تمرین (۳) پیامدهای رفتار (۴) سوابق ذهنی یادگیرنده
- ۱۴- «ادراک تحلیلی» در کدام سبک شناختی دیده می‌شود؟
 (۱) تکانشی (۲) تاملی (۳) مستقل از زمینه (۴) پیچیده شناختی

۱۵- رفتار «ورودی» دانش‌آموزان با چه هدفی مشخص می‌شود؟

(۱) تعیین اهداف آموزشی نهایی (۲) طبقه‌بندی هدف‌های تربیتی

(۳) تعیین میزان آمادگی یادگیرندگان (۴) تشخیص مشکلات دانش‌آموزان

۱۶- در نظریه «کالبرگ»، علاقه به پیروی از عرف اجتماعی در کدام یک از مراحل دیده می‌شود؟

(۱) ابزارگونه نسبی (۲) قانون و نظم (۳) پیمان اجتماعی (۴) دختر خوب - پسر خوب

۱۷- یکی از مزیت‌های «ماشین آموزشی» از نظر «اسکینر» این است که:

(۱) مطالب را از ساده به پیچیده ارائه می‌کند. (۲) از اعمال نظر شخصی معلم می‌کاهد.

(۳) اضطراب یادگیرنده را کاهش می‌دهد. (۴) فاصله بین تقویت و رفتار را کم می‌کند.

۱۸- از نظر پیاز، عدم موفقیت در روش‌های «فعال» تدریس، می‌تواند به کدام مورد مربوط شود؟

(۱) نارسایی در ایجاد ارتباط (۲) کلاس‌های پر جمعیت

(۳) کمبود مواد و امکانات آموزشی (۴) شناخت ناکافی از کودک

۱۹- کدام عبارت در نظریه «استرنبرگ» در مورد نقش مولفه‌های عملکردی درست است؟

(۱) نقش ارزیابی فعالیت‌ها را دارند. (۲) به دستورات فرا مولفه‌ها عمل می‌کنند.

(۳) در انتخاب راهبرد دخالت دارند. (۴) ماهیت مساله را تعریف می‌کنند.

۲۰- ارزشیابی تکوینی در مقایسه با ارزشیابی پایانی به چه دلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

(۱) تعیین ملاک‌های لازم برای انتخاب منابع (۲) تعیین میزان برانگیختگی یادگیرندگان

(۳) تعیین نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های آموزشی (۴) تصمیم‌گیری در انتخاب هدف‌های آموزشی

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای کارشناسی ارشد سراسری ۹۱

۱- گزینه ۲)

یکی از صفات ممتاز آدمیان آفرینندگی یا خلاقیت است. در نظریه گیلفورد، دو مفهوم عمده تفکر، تفکر همگرا و تفکر واگرا می‌باشد. تفکر همگرا با هوش رابطه دارد و تفکر واگرا ویژگی مهم آفرینندگی یا خلاقیت می‌باشد. در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است یعنی همیشه یک جواب درست یا غلط وجود دارد اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد و تعداد زیادی جواب احتمالی ممکن است، موجود باشد.

۲- گزینه ۳)

فرآیندهای شناختی بر اساس الگوی پردازش اطلاعات انجام می‌شوند. این الگو شامل: الف) دریافت‌کننده‌های حسی: تماس اولیه ما با دنیای خارج و دریافت اطلاعات نهفته در آن ابتدا از طریق دریافت‌کننده‌های حسی یا حواس چند گانه صورت می‌گیرد. این حواس به انسان امکان می‌دهد با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار سازد. هر یک از حواس انسان به نوع خاصی از محرک‌ها و یا حوادثی که ممکن است فعالیت فوری حواس یادگیرنده را موجب شوند، حساس است. وجود نقص در یک دریافت‌کننده حسی مسلماً در پردازش اطلاعات یادگیرنده تأثیر زیادی دارد.

ب) ثبت‌کننده‌های حسی: یکی از مهمترین فرآیندهای شناختی، ادراک است. ادراک چیزی فراتر از احساس اشیای اطراف انسان و تصمیم‌گیری در مورد معنای چیزی است که احساس شده است. درک یک عنصر از محیط زمانی میسر است که فرد بتواند معنایی را بدان نسبت بدهد از آنجا که شرایط محیطی غالباً خیلی سریع تغییر می‌کند، بسیاری از محرک‌ها قبل از اینکه زمان کافی برای تکمیل فرآیندهای شناختی مربوط به آنها وجود داشته باشد ناپدید می‌گردند و با این حساب زمانی که محرک ناپدید شد تحلیل آن هم باید متوقف شود ولی (برای اغلب افراد) چنین نیست. زیرا انسان دارای نوعی سیستم نگهداری است که آثاری از محرک‌ها را در خود نگه می‌دارد و امکان تحلیل ادراکی برای او باقی می‌ماند. اهمیت ثبت‌کننده‌های حسی را در کلاس‌های درس زمانی می‌توان درک کرد که معلمان به دانش‌آموزان خویش دستورالعمل‌های شفاهی می‌دهند. بعد از درس و یا دستورالعمل شفاهی هیچ اثر مادی از آن باقی نمی‌ماند و اگر شنوندگان نتوانند خلاصه‌ای از آنچه را که شنیده‌اند در حافظه خود نگهدارند، درک و فهم امکان‌پذیر نخواهد بود. احتمالاً برای هر یک از حواس انسان ثبت‌کننده‌های متفاوتی وجود دارد.

ج) حافظه دراز مدت: مخزن دائمی اطلاعات که انباشته از اطلاعات جهان اطراف انسان است در الگوی شناختی با عنوان حافظه دراز مدت نمایش داده می‌شود. اگر انسان اراده کند، می‌تواند حوادث فراوانی چون مراسم جشن تولد یک دوست، خاطره یک غروب زیبا و.... را به یاد آورد.

د) حافظه کاری: آخرین جزء الگوی فرآیندشناختی حافظه کاری است که هدایت ادراک، اتخاذ تصمیمات، حل مسأله و خلق دانش جدید توسط آن انجام می‌گیرد. به طور خلاصه حافظه کاری آن بخش از الگوست که عمل تفکر در آن انجام می‌گیرد. حافظه کاری علاوه بر نگهداری موقت اطلاعات جدید، اطلاعات فراخوانده شده از حافظه دراز مدت را نیز در خود نگه می‌دارد. حافظه کاری جایی است که در آن محفوظات قدیم فرد با اطلاعات جدید او درهم می‌آمیزد.

۳- گزینه ۴)

معنی در نظریه آزوبل به وجود نوعی قرینه یا معادل ذهنی برای یادگیری‌ها در ساخت شناختی یادگیرنده وابسته است. یعنی اگر یادگیرنده بتواند مطالب جدید را به مطالبی که قبلاً آموخته است مربوط سازد، یادگیری او به نحو معنی دار انجام می‌گیرد. مطالب معنی‌دار به مطالب یادگرفته شده قبلی مربوط می‌شوند در حالی که مطالب غیر معنی‌دار یا مطالبی که به صورت طوطی وار آموخته می‌شوند به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر در ذهن انباشته می‌گردند.

۴- گزینه ۳)

عبارت است از توانایی بیرون کشیدن اطلاعات بصری از صفحه کاغذ و درک معنای آن متن. «خواندن» تفسیر معنادار نمادهای کلامی نوشته شده یا چاپ شده است. خواندن ترجمه مستقیم نمادهای نوشتاری به فکر یا گفتار است. خواندن فرآیندی پویا و

تعاملی است که هم خواننده و هم محتوا در آنچه آموخته می‌شود، سهیم می‌باشند. بعضی خواندن را تفسیر معنا دار نمادهای کلامی نوشته شده یا چاپ شده تعریف کرده‌اند.

۵- گزینه ۳

رفتار پاسخگر به وسیله محرک‌های پیش‌آیندی یعنی محرک‌های شرطی (۱) و محرک‌های غیر شرطی (۲) کنترل می‌شود. به این نوع محرک، محرک پیش‌آیندی فراخوان و به رفتار حاصل از این گونه محرک، رفتار فراخوانده شده می‌گویند. زیرا حضور این نوع محرک موجب فراخوانی یا بروز پاسخ می‌شود. ولی رفتار وسیله‌ای یا رفتار کنشگر به وسیله محرک‌های پیامدی یا پس‌آیندی یعنی تقویت مثبت و منفی کنترل می‌شود و معمولاً هیچ گونه محرک پیش‌آیندی خاص نمی‌توان یافت که به طور قطع و یقین موجب بروز رفتار کنشگر بشود. محرک‌های پیش‌آیندی کنترل‌کننده رفتار، محرک‌های تمیزی نامیده می‌شوند. محرک تمیزی و محرک فراخوان در ایجاد پاسخ به نحو یکسان عمل نمی‌کنند. تفاوت این دو نوع محرک از نظر کنترل رفتار در آن است که محرک فراخوان الزاماً به ایجاد رفتار پاسخگر می‌انجامد، اما محرک تمیزی که همان محرک پیش‌آیندی رفتار کنشگر است صرفاً احتمال بروز رفتار کنشگر را افزایش می‌دهد. اسکینر می‌گوید شخص در دادن پاسخ به محرک تمیزی بیش از دادن پاسخ به محرک فراخوان آزاد است.

۶- گزینه ۳

از مجموع اطلاعات فراوانی که در هر لحظه به مخزن حسی وارد می‌شوند تنها اطلاعاتی که مورد توجه ما قرار می‌گیرند، انتخاب می‌شوند و برای پردازش به بخش‌های دیگر حافظه سپرده می‌شوند پس مهمترین دلیل حذف اطلاعات از ثبت حسی، بی‌توجهی است. از عوامل مهم فراموشی یا حذف اطلاعات از حافظه کوتاه مدت می‌توان به پدیده جانیشینی و حذف خود به خودی اطلاعات یا محو اثر اشاره کرد. سه عامل مهم فراموشی اطلاعات از حافظه دراز مدت عبارتند از: واپس زدن، تداخل و مشکلات بازیابی.

۷- گزینه ۱

درماندگی آموخته شده به حالت یادگیرندگان اشاره می‌کند که کوشش را با پیشرفت مرتبط نمی‌دانند. درماندگی آموخته شده رسیدن به این درک است که هر کاری که شخص انجام می‌دهد، بی‌اهمیت، بی‌اثر و محکوم به شکست است. سلیگمن مفهوم درماندگی آموخته شده را به عنوان حالت ویژه‌ای تعریف کرد که اغلب در نتیجه اعتقاد فرد مبنی بر اینکه رویدادها زیر کنترل او نیست در او ایجاد می‌شود. هدف برنامه‌های آموزشی مربوط به تغییر دادن اسنادهای ناسازگار این است که روند زیر تغییر کند: شکست ← فقدان توانایی (غیر قابل کنترل) ← احساس عدم شایستگی (پذیرفتن مسئولیت) ← دست کشیدن از کوشش ← کاهش عملکرد به روند زیر تبدیل شود:

شکست ← فقدان کوشش (قابل کنترل) ← احساس گناه یا شرمساری (پذیرفتن مسئولیت) ← کوشش بیشتر ← افزایش عملکرد. در درماندگی آموخته شده در شخص این احساس ایجاد می‌شود که هر قدر تلاش کند، موفق نخواهد شد. این حالت منجر به غلبه احساس‌های شرمساری و تردید به خود می‌شود که در نهایت فقدان هر نوع تلاش و کوشش را به دنبال خواهد داشت.

۸- گزینه ۴

سکوسازی یا تکیه‌گاه‌سازی (داربست بندی) را می‌توان فرآیند هدایت یادگیرنده برای گذر از آنچه اکنون می‌داند به آنچه قرار است یاد بگیرد تعریف کرد. در تکیه سازی ابتدا معلم یا هر شخص دیگری که یادگیرنده را یاری می‌دهد سهم عمده‌ای از مسئولیت را به عهده می‌گیرد، اما به تدریج که یادگیری پیش می‌رود، مسئولیت به یادگیرنده واگذار می‌شود.

۹- گزینه ۳

خود کارآمدی به این باور فرد که می‌تواند کاری را با موفقیت انجام دهد، گفته می‌شود. خود کارآمدی ارزیابی فرد از توانایی خود در انجام تکلیف یا قضاوت در مورد اطمینان از توانایی‌های خود برای انجام ندادن موفقیت آمیز یک تکلیف است. به نظر بندورا ۴ منبع اصلی برای دستیابی به خودکارآمدی وجود دارد:

۱. تجربه‌های موفقیت‌آمیز: موثرترین راه ایجاد حس کارآمدی قوی از طریق تجربه‌های موفقیت آمیز است. انجام موفقیت آمیز یک تکلیف مهم، حس خودکارآمدی ما را تقویت می‌کند اما در مقابل، شکست یا ناتوانی می‌تواند خودکارآمدی را تضعیف سازد.
۲. الگو برداری اجتماعی: مشاهده عملکرد موفقیت‌آمیز دیگران یکی از مهم ترین منابع خودکارآمدی است. بندورا می‌گوید: "وقتی کسی می‌بیند که انسان‌های شبیه او با تلاش زیاد به موفقیت رسیده‌اند باور می‌کند او هم می‌تواند با قابلیت‌هایی که دارد موفق شود".

۳. ترغیب اجتماعی : دیگران می‌توانند ما را متقاعد سازند که مهارت کسب موفقیت را داریم. گاهی با تشویق دیگران به هدف خود می‌رسیم. تشویق کلامی دیگران به ما کمک می‌کند بر تردید خود غلبه کنیم و کاری را که در دست داریم به بهترین نحو انجام دهیم.

۴. واکنش‌های روانشناختی : واکنش‌های هیجانی به موقعیت‌ها نیز نقش مهمی در خودکارآمدی دارند. عاطفه، حالات هیجانی، واکنش‌های جسمانی و استرس بر برداشت ما از توانایی شخصی ما در یک موقعیت خاص تاثیر می‌گذارد. فردی که قبل از صحبت در جمع دچار استرس می‌شود ممکن است در این موقعیت‌ها احساس خودکارآمدی ضعیفی داشته باشد. اما بندورا می‌گوید : " شدت واکنش هیجانی یا جسمانی مهم نیست، بلکه چگونگی ادراک و تفسیر این واکنش‌ها هم است. افراد می‌توانند با یادگیری چگونگی کنترل استرس و هیجانات خود در هنگام رویارویی با تکالیف دشوار، حس خودکارآمدی خود را بهبود بخشند.

۱۰- گزینه ۲)

رفتارگرایی به این معنی است که رفتار را باید به کمک تجربه‌های قبل مشاهده تبیین کرد نه فرآیندهای ذهنی. در ضمن برای رفتارگرایان یادگیری تغییر در رفتار آشکار است. روانشناسان رفتاری برای تأثیر محیط رفتار انسان اهمیت زیادی قائل‌اند. اصول اساسی دیدگاه رفتارگرایی عبارتند از : ۱- تقریباً همه رفتارهای انسان یادگرفته‌اند. ۲- توجه به عینیت هدف اصلی روانشناسی است. در این دیدگاه حتی زبان نیز مانند رفتارهای دیگر یاد گرفته می‌شود.

۱۱- گزینه ۱)

بر اساس نظریه یا الگوی سه مرحله‌ای اتکینسون و شیفرین حافظه دربردارنده سه مرحله متوالی حافظه حسی، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت است. بنا به نظریه سطوح پردازش که واضعان آن کریک و لاکهارت هستند هر چه اطلاعات عمیق تر پردازش شوند به همان نسبت معنی تر می‌شوند. بر خلاف نظریه مراحل سه‌گانه، پیروان نظریه سطوح پردازش به جای مراحل گوناگون به سطوح گوناگون پردازش اطلاعات باور دارند. ویژگی مهم نظریه سطوح پردازش این است که تأکید از انباشت را به تأکید بر پردازش تغییر داده است. لازم به ذکر است که الگوی اتکینسون و شیفرین نظام‌های حافظه را بر حسب انباشت مدت حافظه تعریف می‌کند و مخزنهای خیلی کوتاه مدت و خیلی دراز مدت را توصیف می‌نماید.

۱۲- گزینه ۴)

اسکینر کلیه رفتارها را به دو دسته کنشگر و پاسخگر تقسیم کرده است. در نظریه شرطی سازی کلاسیک پاولفی رفتار بازتابی غیر ارادی و خودکار است و بر اثر محرکهای پیش‌آیندی فرا خوانده می‌شود. این همان رفتار پاسخگر مورد نظر اسکینر است. در مقابل رفتار کنشگر صرفاً از جاندار صادر می‌شود و دانستن علت‌های پیش‌آیندی این نوع رفتارها برای کنترل آن چندان اهمیتی ندارد یعنی بر خلاف رفتار پاسخگر که به محرکی که پیش از آن می‌آید وابسته است، رفتار کنشگر به وسیله پیامدهایش کنترل می‌شود.

۱۳- گزینه ۴)

در نظریه آزوبل ساخت شناختی و تغییراتی که بر اثر یادگیری در آن صورت می‌گیرد، اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد. در این نظریه ساخت شناختی عبارت است از: مجموعه اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم‌های سازمان یافته‌ای که فرد قبلاً در یکی از رشته‌های دانش آموخته است. معنی در نظریه آزوبل به وجود نوعی قرینه یا معادل ذهنی برای یادگیریها در ساخت شناختی یادگیرنده وابسته است یعنی وقتی که مفهومی قابل ارتباط دادن با مفاهیمی باشد که از پیش در ساخت شناختی فرد وجود دارند آن مفهوم معنی دار است.

۱۴- گزینه ۳)

به افرادی که دارای سبک وابسته به زمینه هستند، کلی نگر می‌گویند زیرا این افراد شکل و زمینه را در یک ترکیب کلی می‌بینند لذا جداسازی شکل و زمینه برای آنان دشوار است. به افرادی که دارای سبک ناپسته یا مستقل از زمینه‌اند، تحلیلی نگر می‌گویند.

۱۵- گزینه ۳)

هدف ورودی یا رفتار ورودی به رفتارهایی اشاره می‌کند که یادگیرنده به هنگام ورود به یک واحد یادگیری با خود به همراه می‌آورد. بنابراین هدف ورودی یا رفتار ورودی به آمادگی فرد دلالت می‌کند.

۱۶- گزینه ۲)

در مرحله دوم از سطح دوم نظریه کلبِرگ یعنی اخلاق بر اساس قانون و نظم، قوانین و مقررات اجتماعی جانشین آداب گروهی

می‌شود. در این مرحله اطاعت از قوانین فقط برای حفظ نظم اجتماعی است و پیروی از قانون به خاطر قانون است و هر چیزی که قانون را خدشه‌دار کند، ناپسند است.

۱۷- گزینه ۴)

اندیشه آموزش برنامه‌ای را نخستین بار بی. اف. اسکینر مطرح کرد. اصول مهم آموزش برنامه‌ای و ماشین آموزشی عبارتند از: ۱- ارائه مطالب در گام‌ها یا مراحل کوچک ۲- پاسخدهی آشکار یا شرکت فعال یادگیرنده. ۳- تقویت فوری از راه دریافت بازخورد ۴- سرعت شخصی یادگیرنده در جریان یادگیری.

۱۸- گزینه ۱)

براساس مبانی نظری روشهای فعال تدریس می‌توان گفت تدریس فعال، تدریسی است که در آن رخدادهای آموزشی به صورت تعامل‌های علمی، عاطفی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. در تدریس فعال و تعاملی علاوه بر توجه به کسب اطلاعات و مهارت‌ها، به فرآیند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش تاکید فراوان شده است. نظریه‌پردازان تدریس تعاملی بر این باورند که مهارت‌های مهم زندگی از طریق تجارب تعاملی تقویت می‌شود. در این بخش به برخی از ویژگی‌های روشهای تدریس فعال که ضرورت استفاده از این روش‌ها را نمایان می‌سازند، اشاره می‌گردد:

۱- در روشهای فعال تدریس یادگیری عبارت است از تغییرات تجربه بر اثر رفتار یادگیرنده و کسب ساخت جدیدی از عملیات ذهنی. در این روش‌ها یادگیری تابع تحول ذهنی کودک است. و تحول روانی توضیح‌دهنده یادگیری است. ۲- یادگیری در روشهای فعال تدریس بر پایه اکتشاف و استقرار است. لذا در این روش‌ها چگونه یادگرفتن مهم تر از چه چیز یادگرفتن است. در روش‌های تعاملی، دانش آموزان روش یادگرفتن را نیز یاد می‌گیرند. ۳- ماهیت یادگیری، تعاملی است خلاق که بدون وقفه بین دانش‌آموز و موقعیت آموزشی در جریان است. همان‌طور که پیائزه نشان داد، بیش‌تر آموخته‌های مهم ما حاصل تعامل با دیگران است. در روش‌های فعال تدریس آنچه دانش‌آموز انجام می‌دهد، سبب یادگیری می‌شود. یادگیرنده بر اثر تاثیر خود بر محیط و واکنش فعال در برابر عمل محیط به پیشرفت دست می‌یابد. ۴- معلمان، فعالیت‌های یادگیری از طریق تعاملی را، به گونه‌ای سازمان می‌دهند که دانش‌آموز حقیقتاً به یکدیگر وابسته باشند و هیچ یک از اعضاء گروه نمی‌تواند موفق شود مگر این که تمام اعضاء موفق شوند. شعار کلاس تعاملی و همیاری این است: یا همه نجات می‌یابیم یا همه غرق می‌شویم. لذا در این روش‌ها جنبه‌های منفی رقابت دانش‌آموزان از بین می‌رود. ۵- یادگیری واقعی در این روش‌ها عبارت است از: فرآیند تغییر دادن ادراکات جدید برای همخوان کردن آنها با ساختهای شناختی فعلی از یک سو و تغییر دادن ساختهای شناختی برای همخوان کردن آن با ادراکات جدید. ۶- یادگیرنده منبع اصلی تحول خویش است. یادگیری فعالیتی است که از فراگیرنده سر می‌زند و دائماً در حال تحول است. لذا یادگیرنده هم تجربه را تغییر می‌دهد و هم خود را براساس تجربه تغییر می‌دهد. ۷- فرآیند یادگیری در زمان انجام دادن فعالیت دانش‌آموزان فرآیندی خودگردان، خودفرمان، خود نظم‌جو و خود رهبر است. ۸- در روشهای فعال تدریس یادگیری از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. دانش‌آموزان اغلب در سطوح بالاتر حیطه شناختی درگیر می‌شوند و اکتسابات یادگیرنده در عمق حیطه‌های عاطفی و رفتاری نیز رسوخ می‌کند. دیوید جانسون (۱۹۸۹) معتقد است: وقتی آنچه را فرا می‌گیرید برای دیگری توضیح دهید یادگیری شما بسیار بیشتر از زمانی است که یادگیری فقط از طریق گوش کردن یا خواندن چیزی به تنهایی انجام می‌شود. ۹- در تدریس تعاملی بیشتر بر انتخاب آزاد معیارها و ارزشها برای رسیدن به حقایق علمی- اجتماعی براساس فعالیتی مردم سالارانه تاکید می‌شود. لذا سه اصل آزادی، مسئولیت و انتخاب نقش اساسی در این روش‌ها بازی می‌کنند. ۱۰- در تدریس فعال و تعاملی هدف کسب حقایق علمی از طریق تحقیق، تفکر، مباحثه و استدلال منطقی، اصلاح و تقویت درک و فهم مهارت‌های تفکر است. روش‌های تعاملی فرصت مناسبی برای یادگیرنده‌ها ایجاد می‌کنند، تا بتوانند بر تجربه‌های خود، بازتاب داشته باشند و در نتیجه، قادر شوند تا تضادهای بین فهم و درک‌های موجود خود را با تجربه‌های جدید، حل کنند و فهم و درک‌های بدیل را در نظر بگیرند. ۱۱- روش‌های تدریس فعال به اصلاح و تقویت مهارت‌های همکاری و احترام به اندیشه‌های دیگران، پرورش تفکر انتقادی و تحمل اندیشه‌های مخالف منتهی می‌گردد. وقتی دانش‌آموزان با ویژگی‌های مختلف در یک گروه کاری برای یک هدف مشترک کار می‌کنند، آنها نسبت به یکدیگر علاقه و احترام پیدا می‌کنند. یادگیری از طریق همیاری از سویی باعث افزایش پذیرش اجتماعی افراد می‌شود و ازسوی دیگر روابط دوستانه بین دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. ۱۲- یادگیری از

طریق روش فعال در پرورش اعتماد به نفس دانش آموزان بسیار موثر است. دانش آموزان موفقیت‌ها و حمایت را در گروه تجربه می‌کنند و زمانی که دانش آموزان دیگر از آنها سؤال می‌پرسند و به مشارکت آنها احتیاج دارند، خود را با ارزش احساس می‌کنند. ۱۳- همکوشی بوجود آمده در منظومه‌های مبتنی بر تشریک مساعی و تعامل بیش از محیط‌های مبتنی بر رقابت و فردگرایی ایجاد انگیزش می‌کند. دانش آموزان در این روش‌ها به منظور رضایت درونی فعال شده و کمتر به مشوق‌های معلمان وابسته می‌شوند. ۱۴- مهارت‌های مهم زندگی نظیر صحبت کردن، گوش دادن، استدلال و حل مساله از طریق تجارب تعاملی تقویت می‌شود. اگر ما برای مهارت‌های اجتماعی لازم، برای یادگیری و کار موثر و مفید با دیگران ارزش قائل هستیم، باید از طریق روش‌های تعاملی، این مهارت‌های اجتماعی را آموزش دهیم و انگیزه استفاده از این مهارت‌ها را ایجاد کنیم. بنابر این برای اجرای موثر روش‌های فعال و تعاملی ایجاد تغییرات اساسی در بینش و نگرش معلمان، مدیران، دانش‌آموزان، اولیای دانش‌آموزان، محتوای کتاب‌های درسی و محیط آموزشی لازم و ضروری می‌باشد، که به برخی از این تغییرات اشاره می‌گردد:

۱- فضای کلاس در ایجاد جو تعامل بسیار موثر است. فضای کلاس باید به گونه‌ای طراحی شود که موجب تسهیل تعامل گردد. در کلاس‌هایی که معمولاً صندلی‌ها یا نیمکت‌ها در یک صف مستقیم و پشت سر هم قرار دارند و دانش آموزان قادر به دیدن همکلاسی‌های خود نیستند، ایجاد فضای تعامل بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. تقسیم کلاس به گروه‌های کوچک فرصت بیشتری را برای تبادل افکار در میان دانش آموزان فراهم می‌کند. آرایش دایره‌ای یا میزگرد، نعلی شکل و تماس چهره به چهره چندین نمونه از آرایش کلاس درسی است که تعامل را امکان پذیر می‌سازد. ۲- علاوه بر ساختار فیزیکی کلاسی، جو عاطفی کلاس نیز در تعامل بسیار موثر است. بحث و تبادل اندیشه و افکار زمانی میسر است که کلاس درس به محیطی پذیرا و اطمینان بخش تبدیل شود. یعنی جایی که هم معلمان و هم دانش آموزان احساس اعتماد و امنیت کنند. احترام به اندیشه‌های دانش آموزان در ایجاد جو امنیت بسیار موثر است، به همین دلیل اندیشه‌ها و عقاید آنان نباید مورد تمسخر قرار گیرد و یا طرد شود. ۳- در الگوی تعاملی معلم باید تسهیل‌کننده فرآیند یادگیری و مدیر یادگیری باشد. در این الگو معلم انسانی مسئول و فعال است که سازماندهی محیط آموزشی را برعهده دارد، نظر خود را بر دانش آموزان تحمیل نمی‌کند و موجب گسترش فرهنگ کثرت باوری می‌شود. او می‌تواند به خوبی ارتباط برقرار کند و نیز به دانش آموزانش اجازه دهد تا عقاید خود را بیان کرده و از آنها دفاع نمایند. تغییر ذهنیت فلسفی معلم یکی از پیش بایست‌های اساسی اجرای این روش‌ها می‌باشد. لذا معلمان باید از آموزش‌های لازم در خصوص چگونگی اجرای این روش‌ها برخوردار باشند.

۴- معلم باید ریسک و خطرپذیری داشته باشد. ترس از شکست نداشته و از خطر پرهیز نکند. به قول «جک وی ماتسن» «لاک پشت تنها وقتی پیش می‌رود که سرش را از لاک بیرون بیاورد. شکست، بخش ضروری و ثمربخش از فرآیند نوآوری است. معلم باید به تلاش و کوشش دانش‌آموزان امیدوار باشد. آینه‌هاور معتقد است که هیچ نومی‌دی تا به حال جنگی را نبرده است. لذا معلم باید با دلسوزی و تحمل مشکلات، دشواری‌های بکارگیری این الگو در کلاس‌های درس خود را از بین ببرد و راه را برای گسترش روش‌های تعاملی و فعال تدریس هموار نماید. ۵- در روش‌های تعاملی منابع آموزشی نباید به معلم و کتاب درسی و فعالیت‌های کلاس درس محدود شود. هر منبع یا موقعیتی که بتواند تفکر، استدلال و قضاوت دانش آموزان را تحریک و تقویت کند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. ۶- محتوای برنامه درسی باید طوری انتخاب شود که امکان و فرصت استدلال، استنتاج و سایر فعالیت‌های ذهنی سطح بالا و تعامل با یکدیگر و ایجاد بحث گروهی در بین دانش‌آموزان را فراهم نماید. لذا باید از تراکم مطالب در محتوای آموزشی اجتناب نموده و بر چالش برانگیز بودن محتوا تاکید شود. بنابراین لازم است بخشی از محتوا به فعالیت‌های پژوهشی اختصاص یابد. ۷- کثرت دانش آموزان در کلاس‌های درس و محدودیت زمان آموزش از جمله محدودیت‌های اجرایی الگوی تعاملی می‌باشد. برای گسترش این الگو باید مسئولین و دست اندرکاران نظام آموزشی و برنامه‌ریزی درسی تعدیل‌هایی در این زمینه‌ها ایجاد نمایند. ۸- حمایت مسئولین، دست اندرکاران و مدیران آموزشی از اجرای روش‌های فعال و تعاملی از عوامل موثر بر موفقیت این روش‌ها می‌باشد. در برخی از موارد مشاهده می‌شود، مدیری که با این روش‌ها آشنایی ندارد، به لحاظ به هم خوردن نظم و حالت ظاهری کلاس با این روش‌ها مخالفت می‌نماید. لذا آشنایی مدیران و مسئولین ادارات و مدارس از پیش بایست‌های اساسی این روش‌ها می‌باشد. ۹- همسویی اولیاء دانش‌آموزان با معلم در اجرای این روش‌ها، به خصوص در دوره ابتدایی از اهمیت والایی برخوردار است. لذا شایسته است مدیران مدارس با طرح اهداف و چگونگی اجرای این روش‌ها در کلاس‌های آموزش خانواده به توجیه اولیا بپردازند. تا از این طریق از مقاومت اولیاء در مقابل این روش‌ها کاسته شود. ۱۰- تاکید افراطی بر امتحانات و ارزشیابی‌های تراکمی و نتیجه مدار، کم توجهی به ارزشیابی‌های تکوینی و فرآیندی، ارائه بازخوردهای ناکافی و ناقص در مورد

یادگیری فراگیران، فقر دانش تخصصی در زمینه ارزشیابی علمی و عدم همسویی آئین نامه امتحانات با روشهای تعاملی و فعال تدریس از جمله موانع و مشکلاتی است که می تواند بکارگیری روشهای فعال تدریس را تحت شعاع قرار دهد. لذا شایسته است نظام ارزشیابی آموزشی و امتحانات کشور با بکارگیری روشهای ارزشیابی منطبق با روشهای تعاملی زمینه استفاده از این روشها در فرآیند آموزش و تدریس را فراهم نمایند.

۱۹- گزینه ۲)

یکی دیگر از رویکردهای پردازش اطلاعات، نظریه استرنبرگ است. فرض او بر این است که آزمودنی، دارای مجموعه ای از فرآیندهای ذهنی دارای تعدادی مولفه است که به هنگام دادن پاسخ به سوال های آزمون هوش به گونه ای سازمان یافته عمل می کنند. مولفه های بسیاری در کار است که می توان همه آنها را در پنج طبقه قرار داد:

فرامولفه ها: فرآیندهای کنترلی عالی تر که برای برنامه ریزی اجرایی و تصمیم گیری در حل مسائل استفاده می شوند.

مولفه های عملکردی: فرآیندهایی که برنامه هایی را اجرا می کنند و تصمیم های اتخاذ شده توسط فرامولفه ها را تحقق می بخشند.

مولفه های فراگیری: فرآیندهایی که در یادگیری اطلاعات جدید، نقش دارند.

مولفه های یادسپاری: فرآیندهایی که در یادآوری اطلاعات ذخیره شده قبلی نقش دارند.

مولفه های انتقالی: فرآیندهایی که در تعمیم اطلاعات از یک موقعیت به موقعیت دیگر نقش دارند.

استرنبرگ در نظریه سه بعدی خود به سه نوع هوش متمایز اشاره می کند:

هوش تحلیلی (analytical): که می توان آن را توانایی تحصیلی تعریف کرد، ما را به حل مسائل و کسب دانش جدید قادر می سازد.

هوش خلاق (creative): به صورت توانایی های مقابله با موقعیت های جدید و خلق راه حل های احتمالی زیاد برای مسائل تعریف می شود.

هوش عملی (practical): افراد را قادر می سازد که با سایرین از جمله افراد متفاوت سروکله بزنند و انتظارات محیط را برآورده کنند. مظهر هوش عملی، کسی است که با چم و خم های زندگی شهری آشنا است. یعنی شیوه بازی کردن را می داند و می تواند محیط را در کمال موفقیت دستکاری کند.

۲۰- گزینه ۳)

ارزشیابی تکوینی به منظور کشف مشکلات یادگیری دانش آموزان و نواقص آموزش معلم انجام می شود تا با اقدام به موقع معلم روبرو گردد. این ارزشیابی در طول دوره آموزش یعنی زمانی که فعالیت آموزشی معلم در جریان و یادگیری دانش آموز در حال تکوین یا شکل گیری است انجام می شود.